

حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری

محمدحسین رضانی قوام‌آبادی*

چکیده

کارکردهای متعدد سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) باعث شده است تا کنش‌گران دولتی در عرصه ملی و بین‌المللی نتوانند به آسانی حضور آنها را نادیده بگیرند. در پی تدوین قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قانون‌گذار ماده ۶۶ را در جهت حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و یا در جرایمی که دارای بزه‌دیده خاصی نمی‌باشند، اختصاص داد و بر حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری تأکید کرد. این ماده در ابتدا طرق حضور سمن‌ها را در قالب اعلام جرم، شرکت در دادرسی و اعتراض به آراء مورد شناسایی قرار می‌داد. متأسفانه در تغییرات انجام‌شده در سال ۱۳۹۴ حق اعتراض سمن‌ها به آراء مراجع قضایی از ماده مذکور حذف گردید. حذف چنین حقی از این ماده در کنار نظارت پسینی رئیس قوه قضاییه تأثیر مستقیمی بر حضور و اقدامات سمن‌ها در فرآیند کیفری داشت. خوشبختانه با تصویب قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور در سال ۱۳۹۵ نظارت پسینی مذکور اصلاح گردید. اما موضوع حق سمن‌ها برای اعتراض به آراء مندرج در ماده ۶۶ احیا نشد.

نوشتار حاضر مبنا، شروط و طرق حضور سمن‌ها را در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد داد تا از این رهگذر رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به تحقق سیاست جنایی مشارکتی مورد ارزیابی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: سازمان‌های مردم‌نهاد، دادستان، بزه‌دیده، اعلام جرم، فرآیند کیفری.

مقدمه

بازیگران غیردولتی ایفاگر نقش‌های زیادی هستند و با حضور خود هم در شکل‌گیری و هم در اجرای مقررات تأثیر زیادی داشته‌اند. سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) یکی از مهم‌ترین بازیگران غیردولتی می‌باشند که هم در عرصه ملی و هم در عرصه بین‌المللی فعال هستند. حضور و فعالیت سمن‌ها در زمینه‌های گوناگون موجب شده تا در عرصه داخلی قانون‌گذار به این امر توجه کند و وضعیت حقوقی آنها را سر و سامان دهد تا به بهترین نحو از ظرفیت این بازیگران استفاده نماید.^۱ اصلاح مقررات و اتخاذ رویکردی مثبت و مناسب توسط نظام‌های ملی، امکان تأسیس سمن‌ها را تسهیل و حضور آنها را در عرصه‌های مختلف تضمین می‌نماید. هدف از تأسیس این سازمان‌ها کسب سود نیست. همین ویژگی غیر انتفاعی، سمن‌ها را از شرکت‌های تجاری که به دنبال کسب سود و انتفاع هستند، جدا می‌سازد. «عدم سودبری، داوطلبانه بودن و عام‌المنفعه بودن فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی یکی از معیارهای مهم برای شناخت آنها و تفکیک‌شان از بعضی از نهادهای دیگر همچون شرکت‌های فراملی می‌باشد.»^۲

فعالیت این سازمان‌ها در دادرسی‌ها در دو قالب مداخله مستقیم و غیر مستقیم قابل بررسی است. از مداخله مستقیم این سازمان‌ها زمانی می‌توانیم صحبت کنیم که آنها خود قربانی نقض یکی از حقوق نهادین‌شان شده باشند؛ در حالی که در مداخله غیرمستقیم، اساسنامه و یا مقررات دیگر امکان چنین مداخله‌ای را فراهم کرده‌اند. پس در این صورت، قربانی می‌تواند از حمایت و مشاوره این سازمان‌ها بهره‌مند شده و زمینه‌مشارکت آنها در قالب نهاد «یار یا دوست دادگاه»^۳ محقق شود. استفاده از نهاد یار یا دوست دادگاه را معمولاً برای دفاع از منافع عامه مناسب می‌دانند؛ و از این منظر سازمان‌های مردم‌نهاد دارای یک وضعیت ویژه می‌باشند و قادرند بر اساس منافع عامه یا دفاع از قربانی نقض حقوق بشر وارد عمل شوند. در این مقاله بیشتر به مشارکت سمن‌ها در فرآیند کیفری در چارچوب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری می‌پردازیم و از ورود و طرح مشارکت سمن‌ها در قالب نهاد دوست یا یار دادگاه خودداری می‌شود. در حوزه حقوق کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش‌های مهمی ایفا کنند. امروزه دیگر کمتر کسی در خصوص نقش جامعه مدنی و کارکردهای آن در حوزه

۱. در حقوق ایران مهم‌ترین سند در خصوص سمن‌ها، آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۸۴ هیأت وزیران است که در حال حاضر نیز بر تأسیس این سازمان‌ها حاکم می‌باشد.

۲. بیگزاده، ابراهیم، «تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۷۴، ص. ۳۰۱.

حقوق کیفری تردید به خود راه می‌دهد. گرایش جدید نظام‌های حقوقی به سمت سیاست جنایی مشارکتی و طرح و تبیین آن در محافل علمی و دانشگاهی در همین چارچوب است.

به سبب اهمیت این موضوع، قانون‌گذار تلاش کرده تا از ظرفیت این سازمان‌ها استفاده حداکثری را ببرد و حمایت مؤثری از گروه‌های آسیب‌پذیر به عمل آورد. بدین منظور ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری را به مشارکت سمن‌ها در فرآیند کیفری اختصاص داد.^۱

تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید موجب نشد تا این قانون به سرعت به مرحله اجرا گذاشته شود. در سال ۱۳۹۳ طرحی با امضای ۱۸ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به منظور تمدید مهلت اجرای قانون مزبور و اصلاح موادی از آن مطرح گردید. طرح چنین موضوعی در مجلس شورای اسلامی قدری قابل تأمل بود؛ زیرا قانون آزمایشی وفق مفاد اصل ۸۵ قانون اساسی قبل از به اجرا گذاشته شدن مورد اصلاح قرار می‌گرفت. شاید چنین امری ناشی از حزم و احتیاط مجری قانون بوده است تا بتواند مقدمات اجرای قانون آیین دادرسی کیفری را فراهم آورد. به هر حال در توجیه طرح تمدید اجرای قانون مذکور به وجود «موانع جدی در اجرای قانون آیین دادرسی کیفری» اشاره شد. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از مواد اصلاحی بود که مورد توجه قرار گرفت. علیرغم تمامی بیم و امیدهایی که نسبت به این ماده وجود داشت به این شکل تغییر کرد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و

۱. این ماده مقرر می‌داشت: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند. تبصره ۱- در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرایم مالی سفیه باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قییم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

تبصره ۲- ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه‌دیدگان جرایم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند.

تبصره ۳- اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه‌ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.»

در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.» همان طور که مشخص است قسمت اخیر ماده ۶۶ این قانون به کلی حذف گردید. در مورد تبصره‌های این ماده هم لازم به ذکر است که ضمن تغییرات جزئی یک تبصره جدید به تبصره‌های قبلی اضافه شد که در این تحقیق به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به پرسش اساسی پیرامون نحوه حضور و نقش سمن‌ها در فرآیند کیفری است. در این رابطه تلاش می‌شود تا موضوعات مربوط به مبنای، شروط و طرق حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱. مبانی جرم‌شناسانه حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری

ظهور مکاتب فلسفی و کیفری تأثیر زیادی در تحقق حقوق فردی داشته است. «آنچه اصلت دارد انسان است و جامعه تشکیل می‌شود تا از حقوق و آزادی‌های او حمایت کند. این حقوق از طبیعت ناشی می‌شود نه از اجتماع.»^۱ مدیریت پدیده مجرمانه و پاسخ در خور به آن موجب طرح مباحث گوناگون در حوزه حقوق جزا و جرم‌شناسی شده است. مکتب دفاع اجتماعی از همان ابتدای شکل‌گیری، پیشگیری از جرم، حمایت و بازپذیری را به جای سرکوب و مجازات در دستور کار خود قرار داد و بر مشارکت همگان تأکید کرد.^۲ به تدریج گفتمان غالب و رایج نشان داد که سیاست کیفری با مفهوم مضیق خود دیگر به تنهایی قادر به پاسخ‌گویی به نقض مقررات نیست و باید دایره شیوه‌های پاسخ از شیوه‌های سرکوب‌گرانه صرف و اقدام‌های قهرآمیز و تنبیهی علیه جرم به شیوه‌های پیشگیرانه توسعه یابد.^۳

جامعه با وضع مقررات و واکنش در قبال نقض آن مقررات اقدام به صیانت از ارزش‌های اساسی می‌کند. اهمیت موضوع حفاظت از ارزش‌های اساسی جامعه موجب طرح شیوه‌ها و مدل‌های مختلفی در نظام‌های بزرگ سیاست جنایی شده است. فوئرباخ سیاست جنایی را به عنوان «مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد، تعریف کرده و بدین ترتیب مفهوم مضیقی از آن به دست داده است که در حقیقت همان سیاست کیفری است.»^۴

۱. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۵، ص. ۳۵۹.

۲. لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۹۰، ص. ۶۷.

۳. عمارتی نوش‌آبادی، محمدسالار، نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از سیاست کیفری تا سیاست جنایی»، در: لازرژ کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۹۰، ص. ۱۱.

گذار از سیاست کیفری به سوی سیاست جنایی مستلزم اهتمام ویژه به نهادهای مدنی است. سیاستی که در آن مدیریت پدیده مجرمانه علاوه بر جرم به انحراف و کژروی اجتماعی توجه دارد و دولت در کنار جامعه مدنی به سازمان‌دهی، پرداخت و اجرای سیاست جنایی می‌پردازد.^۱ مدل سیاست جنایی جامعه‌ی (غیردولتی) به طور مستقل یا با نظارت و در ارتباط با نهادهای دولتی نسبت به پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه و ترمیم آثار آن اقدام می‌کنند.^۲

مدل یا الگوی سیاست جنایی در دولت‌ها و نظام‌های لیبرال بیشتر مدل مختلط دولتی-جامعه‌ی است. این مدل امکان حضور و مشارکت سمن‌ها را در فرآیند کیفری فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر کنترل اجتماعی جرم مستلزم دو الگوی کنترل رسمی از طرف نهادهای عدالت کیفری دولتی و کنترل اجتماعی غیردولتی است. در این مدل دولت به تنهایی نه مسئول پیشگیری از جرم و کنترل آن است و نه می‌تواند به تنهایی این مسئولیت را انجام دهد.^۳

علاوه بر تسهیل تأسیس این نهادها، تضمین حضور آنها در سیاست جنایی مشارکتی از اهمیت زیادی برخوردار است. به دیگر سخن حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری دارای دو وجه است: اول) جنبه تأسیسی سمن‌ها؛ دوم) جنبه کارکردی سمن‌ها. در تحلیل نهایی این دو جنبه گویای نوعی رویکرد حقوق بشری به قضایا هم محسوب می‌شود و مبین آزادی انجمن‌ها است. نظارت پیشینی سختگیرانه از طرف دولت نسبت به تأسیس این نهادها مانع بزرگی بر سر راه تحقق آزادی انجمن‌ها محسوب می‌شود. به عبارت دیگر نظارت بیش از حد سختگیرانه در مرحله تأسیس این نهادها با فلسفه وجودی چنین آزادی‌هایی که همان تحدید قلمرو مداخله دولت است، در تضاد خواهد بود. دولت در مرحله پسینی هم می‌تواند نظارت خود را بر سمن‌ها اعمال کند و به نحوی از انحاء از حضور مؤثر و فعالانه آنها جهت حضور در فرآیند کیفری جلوگیری نماید. پس حضور مؤثر و فعالانه آنها در فرآیند کیفری گویای گذار از سیاست جنایی ذاتاً دولتی به سوی سیاست جنایی مشارکتی می‌باشد.^۴

در عرصه بین‌المللی، سمن‌ها نتوانسته‌اند به مقام و منزلت سازمان‌های بین‌الدولی به عنوان تابع حقوق بین‌الملل دست یابند. حضور آنها در زمینه‌های گوناگون باعث شده تا دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی بر اهمیت مشارکت آنها در اسناد بین‌المللی تأکید

۱. همان، ص. ۱۶.

۲. همان، ص. ۲۰.

۳. نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۳.

۴. جمشیدی، علیرضا، سیاست جنایی مشارکتی، نشر میزان، بهار ۱۳۹۰، ص. ۲۸.

نمایند. منشور ملل متحد در ماده ۷۱ خود بر نقش و وضعیت مشورتی سمن‌ها در چارچوب شورای اقتصادی و اجتماعی صحنه می‌گذارد و از این طریق مبنای حضور این نهادها را در سیستم ملل متحد و نهادهای تخصصی آن هموار می‌سازد. اما حضور آنها در سازکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی حمایت از حقوق بشر بیش از سایر زمینه‌ها خودنمایی می‌کند. حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی در مقابل دستگاه مقتدر دولت ایجاب می‌کند تا این نهادها بتوانند ایفاگر نقش‌های مختلف «رقیب» یا «همکار» دولت‌ها باشند. در موضوعات مرتبط با حقوق بشر این سازمان‌ها بیشتر به عنوان رقیب دولت‌ها هستند؛ در حالی که در خصوص مسائلی چون بهداشت، توسعه و محیط زیست بیشتر به مثابه همکار دولت‌ها ظاهر می‌شوند.

در عرصه داخلی، حضور این سازمان‌ها به منظور اجرای سیاست جنایی مشارکتی امری مهم می‌نماید. تجربه موفقیت‌آمیز سایر کشورها گویای این واقعیت است که نهادهای مردمی بهترین نیروهای پیشگیرانه از وقوع جرم در جامعه محسوب می‌شوند. هرچه دامنه حضور آنها در حوزه پیشگیری از وقوع جرم تقویت گردد، کاهش آمار جرایم دور از انتظار نخواهد بود. به عبارت دیگر شاهد بیشترین اثربخشی در زمینه پیشگیری از وقوع جرم با کمترین هزینه خواهیم بود.

یکی دیگر از مبانی جرم‌شناسانه حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری را می‌توان در نقش آنها در پیشگیری و کاهش بزه‌دیدگی مکرر جستجو کرد. عدم اعلام بزه‌دیدگی از طرف بزه‌دیده مهم‌ترین عاملی است که سبب بزه‌دیدگی مکرر می‌شود. بزه‌دیدگی مکرر بیشتر در مورد خشونت‌هایی همچون خشونت خانگی از سوی همسران، خشونت خانگی علیه کودکان و یا خشونت خانگی علیه سالمندان و غیره نمود پیدا می‌کند. عدم اعلام بزه‌دیدگی نه تنها موجب بزه‌دیدگی مکرر بلکه موجب بی‌کیفرمانی بزهکار هم می‌شود. از طرف دیگر بزهکار بدون اصلاح و درمان و بازپروری رها می‌شود و دور تکرار بزه تداوم پیدا خواهد کرد.^۱

نقش سمن‌ها در اجرای سیاست جنایی پیشگیرانه در خصوص مقابله با کودک‌آزاری یکی از مهم‌ترین مصادیق حضور این نهادها است. در عرصه مبارزه با خشونت، آزار و استثمار کودکان و دفاع از حقوق این گروه به شدت آسیب‌پذیر، با اعلام و گزارش جرایم مذکور گام مثبت و مؤثری در راستای کشف و تعقیب بر می‌دارند. همکاری سمن‌های فعال در زمینه حقوق کودکان و نوجوانان با والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و مددکاران اجتماعی می‌تواند آثار مثبتی در پی داشته باشد. تلاش

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: میرخلیلی، سید محمود؛ و جواد رجبی، «پیشگیری کیفری از بزه‌دیدگی مکرر»، مجله حقوق اسلامی، شماره ۳۴، پاییز ۱۳۹۱، صص. ۱۷۲-۱۷۱.

این سازمان‌ها از طریق آگاهی‌رسانی و ایجاد حس آرامش در درون خانواده‌ها، مربیان، معلمان، کودک و نوجوانان در کاهش آسیب‌پذیری و بازدارندگی و همچنین کاهش شمار بزه‌دیدگی مکرر نقش مهمی ایفا می‌کنند.^۱ به عبارت دیگر سمن‌ها با همکاری خود با سایر نهادها قادر به شناسایی، جذب و تشخیص آسیب، نگهداری توانمندسازی کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر می‌باشند.

طرح و اقامه دعوی عمومی به منظور حفظ نظم عمومی و صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی است. «حق تعقیب دعوی عمومی متعلق به جامعه است. جامعه این حق را به واسطه نمایندگان خود به موقع اجرا می‌گذارد. دادسرا نماینده جامعه است و به نام جامعه بزهکار را تحت تعقیب قرار می‌دهد. تعقیب بزهکار برای جامعه حق، ولی برای دادسرا وظیفه و تکلیف محسوب می‌شود.»^۲

امروزه مشارکت سمن‌ها در حوزه تعقیب دعوی عمومی در برخی جرایم، تحول مهمی تلقی می‌گردد که بیش از هر زمان دیگری به آن توجه می‌شود. مهم‌ترین مبنای حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری ناشی از گرایش به سوی سیاست جنایی مشارکتی است. «منظور از سیاست جنایی مشارکتی، بررسی و مطالعه جایگاهی است که در سیاست جنایی یک کشور به جامعه مدنی و از طریق اعطای نقش به بزهکار، بزه‌دیده و به ویژه کل جامعه یا مردم داده شده است.»^۳ یکی از دلایل چنین گرایشی به ناکارآمدی نظام عدالت کیفری مربوط می‌شود، زیرا با کاربست صرف سازکارهای دولت محور قادر به پاسخگویی و مقابله با پدیده‌های مجرمانه نخواهیم بود. تجربه این نهادها در زمینه‌های گوناگون ایجاب می‌کند تا از ظرفیت آنها در تمام مراحل قبل، حین و بعد از دادرسی استفاده شود.

شاید بتوان مسئولیت اجتماعی را به عنوان یکی دیگر از مبانی حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری دانست. قانون اساسی در اصل هشتم مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و

۱. مودن‌زادگان، حسنعلی، خیری، سعاد، «پیشگیری غیرکیفری از بزه‌دیدگی اطفال»، نشریه ماوی (نشریه داخلی قوه قضاییه) به نشانی زیر (آخرین بازدید: ۱۳۹۴/۱۲/۸):

<http://maavanews.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=4355&articleType=ArticleView&articleId=81499>

۲. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری: کلیات و دعوی ناشی از جرم، دفتر اول، چاپ هفدهم، دوران‌دیشان، ۱۳۹۴، ص. ۲۳۸.

۳. رستمی، ولی، «مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)»، فصلنامه حقوق، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶، ص. ۱۴۱.

مقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر - دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.^۱ در منظومه عدالت کیفری دیگر نمی‌توان به زرادخانه حقوق کیفری به عنوان تنها سازکاری نگریست که از سوی دولت اعمال می‌گردد. توجه اسناد بالادستی و قوانین برنامه‌ای دلالت بر مشارکت سمن‌ها و تکلیف سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی به همکاری با دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات عمومی و مردم‌نهاد جهت بازاجتماعی شدن محکومان دارد.^۲

پس دولت دیگر نمی‌تواند به عنوان تنها بازیگر در مقابل بزهکار و بزه‌دیده باشد و باید از بازیگران غیردولتی به عنوان رابط بین بزهکار و بزه‌دیده و قاضی کیفری استفاده کند. در دعاوی عمومی، دادستان به نمایندگی از عموم تعقیب بزهکار را به عهده دارد. تکلیف دادستان به تعقیب دعوای عمومی ناشی از حقی است که جامعه نسبت به تعقیب بزهکار دارد. با این اوصاف، متولی انحصاری تعقیب دعوای عمومی دادستان است. تدوین قانون آیین‌دادرسی کیفری بیانگر فاصله گرفتن از رویکرد انحصارگرا تعقیب دعوای عمومی توسط دادستان به سمت پذیرش نسبی حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری است. این مهم در حقوق خیلی از کشورها مورد توجه قرار گرفته است و حتی بعضی از حقوق‌دانان همچون خانم دلماس مارتی از تقویت مشارکت جامعه مدنی در عدالت کیفری به عنوان «خصوصی‌سازی عدالت کیفری»^۳ تعبیر کرده‌اند. پس حضور سمن‌ها جهت مشارکت در فرآیند کیفری می‌تواند به معنی گام نهادن در مسیر خصوصی‌سازی عدالت کیفری تلقی گردد. پذیرش این بازیگران در فرآیند کیفری می‌تواند ناکارآمدی احتمالی دادستان در مقابله با جرایم مذکور در ماده ۶۶ قانون آیین‌دادرسی کیفری را جبران سازد. به عبارت دیگر سمن‌ها نقش شبه‌دادستان یا «دادستان خصوصی»^۴ را بازی می‌کنند و از این طریق در تحقق سیاست جنایی مشارکتی گام برمی‌دارند. با پذیرش این نقش برای سمن‌ها پرسش‌های متعددی قابل طرح است؛ از جمله اینکه این نقش مستقل است یا جنبه موازی دارد و یا اینکه نقش سمن مکمل نقش دادستان در فرآیند کیفری است؟

۱. ماده ۱۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ در همین راستا مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر به ثبت رسیده می‌توانند مطابق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن اقدام کنند.»

۲. ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم و ماده ۱۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

3. Delmas-Marty, Mireille, «Ni Victimes ni Procureurs, qui sont-ils?», Archives de Politique Criminelle, N 10, 1988, p. 11.

۴. کوشکی، غلامحسین، «سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۲، ص. ۷۸.

فارغ از این تعبیر، آنچه که بیش از حد توجه ما را جلب می‌کند این است که دادستان یا مدعی‌العموم تکلیف به تعقیب دعوای عمومی دارد. حال آنکه با فرض پذیرش تعبیر به‌کاررفته برای سمن‌ها به عنوان دادستان خصوصی چنین تکلیفی به اعلام جرم و شرکت در دادرسی متصور نیست. بر طبق ماده ۶۶ قانون مذکور «سازمان‌های مردم‌نهاد ... می‌توانند ... اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت نمایند.» پر واضح است که نوع نگارش ماده بیشتر ناظر به مختار بودن سمن‌ها جهت ورود به فرآیند کیفری می‌باشد و در نتیجه سمنی که شرایط مندرج در ماده مزبور را دارا باشد از چنین اختیاری برخوردار است. در ضمن داشتن این اختیار لزوماً به معنی اعلام جرم و مشارکت و حضور سمن مربوطه در فرآیند کیفری نخواهد بود. به علاوه اصولاً اعلام جرم امری اختیاری است و هر کسی می‌تواند از طریق مبادی ذیصلاح اعلام جرم نماید. البته لازم به ذکر است در حقوق برخی از کشورها همانند ایران^۱ و فرانسه^۲ عدم اعلام کودک‌آزاری را جرم‌انگاری کرده است. وضع چنین مقرراتی به سبب موقعیت و آسیب‌پذیری این گروه از بزه‌دیدگان کاملاً جنبه حمایتی دارد.

با این اوصاف به نظر می‌رسد نقش سمن مکمل نقش دادستان باشد. به عبارت دیگر سمن‌ها قادر خواهند بود به عنوان مکمل بخشی از کاستی‌های احتمالی دادستان را در زمان تعقیب تکمیل کنند. به منظور روشن شدن موضوع، در قسمت بعدی شرایط لازم جهت حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری در چارچوب ماده ۶۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۲. شروط حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری

ماده ۶۶ قانون آیین‌دادرسی کیفری چهار شرط سمن بودن، توجه به اساسنامه و حوزه فعالیت آن، رضایت بزه‌دیده و در نهایت درج نام سمن در لیست تصویب‌شده رئیس قوه قضاییه را برای حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری معین می‌کند. شرط آخر یعنی تأیید لیست توسط رئیس قوه قضاییه با اصلاحات اخیر در سال ۱۳۹۵ تغییر کرد. به منظور روشن شدن شرایط لازم جهت حضور سمن‌ها در ادامه به ترتیب این شروط مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

۱. ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ مقرر می‌دارد: «کلیه افراد و مؤسسات و مراکز که به نحوی مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلفند به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیمی مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند. تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود.»

2. Code pénal, Article 434

۲-۱. سمن بودن

سمن بودن به عنوان یکی از معیارهای مندرج در این ماده جهت حضور در فرآیند کیفی معرفی شده است. مطابق با آن «سازمان‌های مردم‌نهاد... می‌توانند...». سازمان مردم‌نهاد در صورتی می‌تواند از حقوق مندرج در ماده ۶۶ برخوردار گردد که ابتدا مطابق با قوانین و مقررات تأسیس شود. تدوین شرایط پیشینی سختگیرانه جهت تأسیس سمن‌ها، آثار و تبعات سوئی بر مشارکت آنها خواهد داشت. لذا شرط اول حضور در فرآیند کیفی سمن بودن است و این شرط لازم است اما کافی نیست.

به طور کلی هدف از تأسیس این سازمان‌ها کسب سود نیست و به دیگر سخن غیر انتفاعی‌اند. همین ویژگی غیرانتفاعی، سمن‌ها را از نهادهای مشابه همچون احزاب و شرکت‌های تجاری جدا می‌سازد. احزاب بیشتر در پی مطامع سیاسی و حزبی هستند، حال آنکه شرکت‌های تجاری به دنبال کسب سود و حمایت از منافع سهامداران خود هستند.

قانون تجارت در ماده ۵۸۴ اشعار می‌دارد: «تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیرتجارتی تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد، شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند.» ماده ۵۸۵ همین قانون، شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور را تابع آیین‌نامه‌ای نموده است که به تصویب وزارت دادگستری می‌رسد. وزارت دادگستری، در همین راستا، در سال ۱۳۳۷ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی را تصویب نمود.

آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۸۴ اولین سندی است که به طور خاص موضوع تأسیس و فعالیت این سازمان‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. بر طبق آیین‌نامه مذکور جهت تأسیس سمن باید ابتدا مجوز قبلی از هیأت‌های نظارت مقرر در آن آیین‌نامه را کسب نماید. دریافت پروانه فعالیت قبل از ثبت جهت تشکیل سمن امری لازم است. متقاضیان تأسیس سازمان مکلفند در غیر از مواردی که مطابق قانون، مرجع خاصی برای صدور پروانه سازمان‌های مربوط تعیین شده است، درخواست اخذ پروانه را به مراجع نظارتی مقرر در بند ت ماده یک ارائه نمایند. طبق تبصره ۵ ماده ۱۷ آیین‌نامه مذکور صدور پروانه و امضای اوراق مربوط پس از تأیید هیأت نظارت در هیأت نظارت کشور با وزیر کشور، در هیأت نظارت استان با استاندار و در هیأت نظارت شهرستان با فرماندار می‌باشد. لذا سازمان پس از اخذ پروانه فعالیت از هیأت‌های نظارت و ثبت آن برابر ضوابط و مقررات جاری دارای شخصیت حقوقی می‌گردد. به عبارت دیگر تأسیس سمن منوط به اخذ پروانه فعالیت و ثبت می‌باشد و از آن تاریخ می‌توان ادعا کرد که سمن تأسیس شده است.

۲-۲. توجه به اساسنامه سمن و حوزه فعالیت آن

اساسنامه، سند تأسیس یا سند مؤسس یک سازمان محسوب می‌شود. اساسنامه یکی از مهم‌ترین مدارکی است که هیأت مؤسس یک سمن باید برای دریافت پروانه فعالیت به هیأت‌های نظارت تحویل دهد. در اساسنامه سازمان مطالب مهمی همچون اهداف سازمان، موضوع فعالیت، هدف فعالیت، مرکز اصلی و ارکان و تشکیلات سازمان و غیره مشخص می‌شود. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند ...»

حال این پرسش مطرح می‌شود که مصادیق مندرج در صدر ماده ۶۶ جنبه حصری دارند یا تمثیلی. پاسخ دقیق به این پرسش با ابهاماتی همراه است، چه اینکه برخی از موضوعات همانند حقوق شهروندی دارای ابعاد گسترده‌ای می‌باشد. اما به طور کلی و با توجه به نحوه نگارش این ماده می‌توان ادعا کرد که مصادیق مندرج در ماده مزبور جنبه حصری دارد. البته به نظر می‌رسد که قانونگذار در این ماده با اعلام سازمان‌های مردم‌نهاد حامی اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی و حامی حقوق شهروندی نوعی اختلاط و ابهام در این مصادیق ایجاد کرده است. مشخص نیست که چرا مقنن علیرغم اینکه بخش عمده‌ای از این مصادیق، خود به عنوان بخشی از حقوق بشر محسوب می‌شوند را به صورت جداگانه بیان کرده است. آیا بهتر نبود که مقنن تنها به ذکر سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه حقوق بشر، محیط‌زیست و میراث فرهنگی اکتفا می‌کرد؟ احصای مصادیق سمن‌ها به شکل فعلی می‌تواند ابهاماتی را موجب گردد. راه‌حل دیگری که می‌توانست مورد استفاده مقنن قرار گیرد، درج واژه سمن به تنهایی بود؛ بدون اینکه بخواهد به حوزه کارکردی آنها وارد شود. بدین ترتیب راه برای ورود تمامی سمن‌ها هموار می‌شد، بدون اینکه یکی بر دیگری ترجیح داده شود. البته چنین رویکردی هم می‌تواند تبعات زیادی برای دستگاه قضایی به همراه داشته باشد و این دستگاه را با طرح و ورود انبوه زیادی از پرونده‌ها روبرو سازد.

قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه حضور و مشارکت انجمن‌ها را در فرآیند کیفری به رسمیت شناخته است. بر اساس ماده ۲ این قانون هر انجمنی که به طور منظم بر طبق اساسنامه، موجودیت خود را حداقل ۵ سال اعلام کرده باشد، دارای حقوق شناخته‌شده برای مدعی خصوصی است. قانونگذار فرانسه در طی ۲۶ بند ذیل این ماده، مواردی که انجمن‌ها قادر به اقامه دعوا هستند را احصا کرده است. موضوعات

مطروحه در این ماده شامل مبارزه با تبعیض نژادی و کمک به بزه‌دیدگان تبعیض، خشونت‌های جنسی و خانوادگی، حمایت از اطفال، جنایات علیه بشریت یا جنایات جنگی، حمایت کمک به اشخاص معلول، جرایم جاده‌ای، حمایت از حیوانات، حمایت از زبان فرانسه، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی، حمایت از قربانیان ناشی از حوادث کار و بیماری‌های شغلی و حمایت از آثار باستانی و غیره می‌شود.^۱

اعلام موجودیت انجمن یکی از شروط مقدماتی برای شرکت در فرآیند دادرسی است. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه این مدت را حداقل ۵ سال قرار داده است. به دیگر سخن، یکی از شرایط اساسی جهت اقامه دعوا توسط انجمن‌ها برابر ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، داشتن سابقه حداقل پنج سال فعالیت در آن حوزه است. بدیهی است با گذشت دوره پنج‌ساله توانایی و اهلیت لازم به منظور حضور و مشارکت در فرآیند دادرسی کیفری مشخص خواهد شد.^۲ دوره زمانی حداقل پنج سال فعالیت گزینه‌ای بر موجودیت انجمن مربوطه و احراز توانایی مشارکت در مرحله دادرسی است. ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مقرر می‌دارد: «سازمان [سمن] حق دارد در موضوع فعالیت‌های خود و برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی اقامه دعوا نماید.» درج برخی از مصادیق فعالیت سمن‌ها در ماده ۶۶ می‌تواند تبعاتی بر مشارکت سمن‌ها در دادرسی داشته باشد. یکی از مهم‌ترین اهداف سمن‌ها حمایت از منافع عمومی و اقامه دعوا در مراجع قضایی است. شناسایی چنین حقی برای سمن‌ها در چارچوب آیین‌نامه اجرایی مذکور به نحوی با اهداف مندرج در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی همخوانی دارد. حق اقامه دعوا بر طبق این آیین‌نامه یکی از مهم‌ترین آثار حقوقی ناشی از شناسایی شخصیت حقوقی برای سمن پس از اخذ پروانه فعالیت و ثبت محسوب می‌شود. فارغ از ماهیت و اعتبار موجود بین قانون و آیین‌نامه، تفاوت اساسی بین مفاد ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۶ آیین‌نامه مذکور در این است که آیین‌نامه به اقامه دعوا در مراجع قضایی اشاره می‌کند، در حالی که در ماده ۶۶ به اعلام جرم و شرکت در تمام مراحل دادرسی می‌پردازد. به نظر می‌رسد که حق دادخواهی مندرج در مواد ۴ و ۱۶ آیین‌نامه مزبور، سمن‌ها را به عنوان شاکی تلقی کرده که برای حمایت از منافع عمومی اقدام می‌کنند. حال آنکه در قانون آیین دادرسی کیفری با

1. Code de procédure pénale, Article 2.

۲. کوشکی، غلامحسن، «سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوی عمومی»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۲، ص. ۷۹.

پیش‌بینی اعلام جرم و مشارکت در دادرسی، امکان شناسایی به عنوان شاکی را برای سمن‌ها کم‌رنگ می‌کند. آنچه مسلم است در صورت تعارض بین قانون و آیین‌نامه اجرایی، قانون مقدم خواهد بود.

۲-۳. رضایت بزه‌دیده

بر طبق تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرایم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.»

سمن‌ها به چند شکل از بزه‌دیده رضایت می‌گیرند: رضایت راساً توسط خود بزه‌دیده به سازمان اعلام می‌شود و در صورتی که بزه‌دیده طفل، مجنون یا سفیه باشد این رضایت توسط ولی، قیم یا سرپرست قانونی وی اعلام خواهد شد. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان اقدام می‌کنند. پس در جرایم ارتكابی علیه کودکان رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی لازم است. به نظر می‌رسد که سخت‌گیری‌های بیش از حد در این خصوص با اهداف حمایتی نسبت به گروه‌های آسیب‌پذیر منافات دارد و خدشه زیادی به سیاست جنایی مشارکتی وارد خواهد ساخت.

اما وضعیت در جرایمی که دارای بزه‌دیده خاص نیستند، به چه شکل است؟ جرایم علیه محیط‌زیست، منابع طبیعی و میراث فرهنگی جرایمی محسوب می‌شوند که به زعم برخی به سبب ماهیت انتزاعی که دارند فاقد بزه‌دیده قابل شناسایی هستند. به عبارت دیگر به طور سنتی حقوق کیفری بر بزه‌دیدگان شخصی و انسانی متمرکز است. به نظر چنین برداشتی بیشتر مبتنی بر رویکرد انسان‌مدارانه است.^۱

در این ارتباط توجه به رویکرد زیست‌محورانه و همچنین حقوق نسل‌های فعلی و آینده می‌تواند مفید ارزیابی شود. اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل

۱. گرجی فرد، حمیدرضا، جرم‌شناسی سبز و جرایم زیست‌محیطی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۴.

جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» قانون اساسی و قوانین عادی هیچ تعریف روشنی از عبارت «وظیفه عمومی» ارائه نمی‌دهند. در اصل هشتم نیز از واژه «وظیفه همگانی» استفاده شده است. بر طبق این اصل «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.»

نکته قابل توجه دیگر مربوط به تبصره ۲ ماده ۶۶ است و مطابق آن «ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه‌دیدگان جرایم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند.» تکلیف ضابط دادگستری در خصوص اطلاع رسانی به بزه‌دیده جرایم مذکور در ماده ۶۶ اهمیت زیادی دارد. ضابط دادگستری باید بزه‌دیده را از کمکی که سمن‌ها می‌توانند به وی ارائه دهند، آگاه سازد. ظاهر این تبصره دلالت به تکلیف ضابط دادگستری نسبت به اطلاع‌رسانی و آگاه ساختن بزه‌دیده دارد و به هیچ وجه جنبه تخییری ندارد. چنین استنباطی نه تنها با روح و مقتضای ماده ۶۶ منافات ندارد، بلکه دقیقاً در راستای حمایت از بزه‌دیده جرایم مندرج در ماده ۶۶ می‌باشد و با آگاهی بزه‌دیده از کمک این سازمان‌ها می‌تواند رضایت خود را نسبت به انجام اقدامات لازم توسط سمن‌ها جهت مشارکت در فرآیند کیفری اعلام نماید. اما متأسفانه مقنن تنها به این تکلیف اشاره می‌کند و با سکوت خود نحوه اطلاع رسانی و ضمانت اجرای عدم اطلاع رسانی ضابط را بی‌پاسخ می‌گذارد.

۲-۴. درج نام سمن‌ها در لیست مصوب قوه قضاییه

شروط مذکور در ماده ۶۶ جهت حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری منوط به تصویب رییس قوه قضاییه است. به عبارت دیگر شروطی که در بالا مورد بررسی قرار گرفت، لازم هست اما کافی نیست. سمنی می‌تواند برابر تبصره ۳ ماده ۶۶ در فرآیند کیفری شرکت کند که نامش در لیستی که توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد، درج گردد. همان طور که گفته شد ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد به صورت مطلق حق اقامه دعوا را به سمن‌ها می‌دهد. اعطای چنین حقی به سمن موکول به تصویب هیچ مرجعی نشده است، اما قانون آیین دادرسی مقرر می‌دارد: «سامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.» با توجه به ماهیت وجودی سمن‌ها و نقش این نهادها در حمایت از منافع عمومی درج این شرط در قالب تبصره ۳ ماده ۶۶ چه وجهی دارد؟ اگر سازمانی بر طبق

آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و با رعایت تمامی مقررات و ضوابط پروانه فعالیت خود را از هیأت‌های نظارت شهرستان، استان، کشور دریافت کرد و وفق مقررات هم ثبت گردید دیگر چه ضرورتی به تصویب مجدد نام آنها در لیستی که توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور وجود دارد؟ سمن‌ها بعد از ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند و از کلیه حقوق مندرج در آیین‌نامه مذکور برخوردار می‌شوند. به نظر می‌رسد تبصره ۳ ماده ۶۶ یک نوع نظارت پسینی و مضاعف بر سمن‌ها اعمال خواهد کرد. به عبارت دیگر می‌توان ادعا کرد که دو نوع نظارت پیشینی و پسینی قابل تصور است: نظارت پیشینی یا نظارت در زمان تأسیس نظارتی است که طبق آیین‌نامه اجرایی پیش‌گفته توسط هیأت‌های نظارت بر تأسیس سمن‌ها اعمال می‌شود. نظارت پسینی یا نظارت بعد از تأسیس و در زمان فعالیت، بیشتر ناظر به کنترل و نظارت‌هایی می‌شود که از طرف سایر نهادها بر فعالیت سمن‌ها اعمال می‌گردد. برای مثال اقدام به انجام فعالیت‌های تجاری با فلسفه وجودی این سازمان‌ها در تضاد است. اگر گروهی از افراد برای فرار از دادن مالیات اقدام به تأسیس سمن نمایند و در لوای آن اقدام به فعالیت تجاری کنند، در این صورت قطعاً این امکان وجود دارد تا بتوان از فعالیت چنین سمنی جلوگیری کرد.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا نظارت قوه مجریه و قضاییه بر سمن‌ها باید به صورت مداوم وجود داشته باشد و هر ساله نام آنها به عنوان سمن‌هایی که قادر به اعلام جرم می‌باشند، تمدید گردد؟ آیا چنین نظارتی با اعطای شخصیت حقوقی به سمن‌ها بعد از ثبت و تأسیس در تضاد نیست؟

قوه مجریه و قوه قضاییه در حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. نوع نگارش تبصره ۳ تب ۳ دو تفسیر متفاوت دارد: تفسیر اول) درج نام سمن در لیست مربوطه، امری موقت تلقی گردد و آن را منوط به تصویب مجدد از طرف رئیس قوه قضاییه بدانیم. تفسیر دوم) درج نام سمن در لیست مربوطه، جنبه تأسیسی دارد. به دیگر سخن با درج نام سمن در لیست و تصویب آن توسط رئیس قوه قضاییه دیگر ضرورت ندارد که مجدداً مورد بررسی قرار گیرد، مگر اینکه تشخیص داده شود که نام آن از لیست خارج گردد. ماده ۶۶ به هیچ وجه در خصوص امکان خارج کردن نام سمن از لیست اشاره‌ای ندارد اما با توجه به اختیاری که به وزیر دادگستری و وزیر کشور داده شده است، به نظر می‌رسد که برای مقام صلاحیت‌دار دارنده حق درج نام سمن در لیست یادشده چنین اختیاری وجود دارد تا بتواند رأساً نام آن را از لیست خارج کند. با پذیرش تفسیر اول یعنی موقت تلقی کردن درج نام سمن در لیست و لزوم تصویب مجدد آن توسط رئیس قوه قضاییه با مشکل بزرگی روبرو

خواهیم شد، زیرا ممکن است سمنی در مرحله بدوی نامش در لیست باشد و در مرحله تجدیدنظر نامش از لیست حذف گردد. پس با این اوصاف به نظر می‌رسد تفسیر دوم با منطق حقوقی همخوانی بیشتری داشته باشد.

در پایان ذکر این نکته لازم است که اختیاری که صدر ماده ۶۶ به سمن‌ها داده تا بتوانند نسبت به جرایم ارتكابی مندرج اعلام جرم کنند، چندان هم اختیاری نمی‌نماید. به عبارت دیگر، واژه «می‌توانند» در این ماده زمانی می‌تواند به خوبی صرف شود که نام سمن مربوطه که می‌خواهد اعلام جرم و در فرآیند کیفری مشارکت کند، در لیستی که توسط وزیر داگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود، باشد و به تصویب رئیس قوه قضاییه هم برسد. در اموری همچون محیط زیست، میراث فرهنگی، بهداشت و غیره معمولاً سمن‌ها همکار دولت محسوب می‌شوند؛ در حالی که در حوزه حقوق بشر عموماً به صورت رقیب دولت‌ها ایفای نقش می‌کنند. سمن - همکار در کنار دولت‌ها قرار می‌گیرد، حال آن که سمن - رقیب در مقابل دولت‌هاست و کارکردهای دولت را در زمینه حقوق بشر به نقد می‌کشد و موارد نقض آن را بیان می‌کند. سمن‌ها رابط بین مردم با دولت می‌باشند و تدوین چنین تبصره‌ای می‌تواند ابهامات زیادی را برانگیزد. «با توجه به عدم ذکر شرایط و معیارها در قانون مذکور به نظر می‌رسد نقش نهادهای مزبور در پرتو نوع نگاه مقامات یادشده و معیارهای تعیین‌شده توسط آنها به جایگاهی تشریفاتی و غیرمردمی تقلیل یابد.»^۱

خوشبختانه با تصویب قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور در ۱۰ بهمن ماه ۱۳۹۵ مفاد تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاح گردید. به موجب بند پ ماده ۳۸ این قانون «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ استفاده کنند که از مراجع ذیصلاح قانونی ذیربط مجوز اخذ کنند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به طور قطعی رد شود، برای یکسال از استفاده از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون ذکر شده، محروم می‌شوند. این بند جایگزین تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون اخیرالذکر می‌شود.» با اصلاح شدن صلاحیت پسینی رئیس قوه قضاییه مندرج در تبصره ۳ ماده ۶۶، امکان حضور سمن در فرآیند کیفری تسهیل خواهد شد. البته اعمال حقوق مندرج در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند به صورت موقت به حالت تعلیق درآید و این امر مربوط به زمانی است که اعلام جرم یک

۱. زینالی، امیرحمزه، «سازوکارهای حقوق کیفری ایران در زمینه اعمال حق دادخواهی کودکان بزه‌دیده (حق بر شکایت کودک)»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص. ۵۰.

سازمان مردم‌نهاد برای سه بار متوالی در محاکم صالحه به طور قطعی رد شود. معنای مخالف چنین تعبیری آن است که اگر به صورت متناوب اعلام جرم رد گردد، مشمول این مقررہ نخواهد بود.

در صورت تحقق شرایط مندرج در بند پ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور سمن برای مدت یک سال از اعمال حقوق مندرج در ماده ۶۶ محروم می‌گردد. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا سمن می‌تواند نسبت به حکم تعلیق خود اعتراض نماید؟ اگر مبنا را ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بگذاریم که در آن حق اعتراض به آراء را برای سمن‌ها به رسمیت می‌شناخت در این صورت با تغییر آن در سال ۱۳۹۴ و حذف حق اعتراض مزبور دیگر نمی‌توان به چنین حقی استناد کرد. به عبارت دیگر با حذف حق اعتراض سمن‌ها در سال ۱۳۹۴ خیلی مشکل می‌نماید که مجدداً چنین تفسیری از آن ماده و در نتیجه شناسایی چنین حقی را برای این سازمان‌ها قائل شد. از طرف دیگر اعتراض استثنایی بر اصل است و در صورت وجود چنین حقی باید صراحت داشته باشد.

بر خلاف حالت قبل می‌توان گفت که چنین حقی برای سمن‌ها محفوظ است. زیرا با محرومیت و تعلیق آن حق، امکان اعتراض برای سازمان‌ها به اعتبار دادرسی منصفانه وجود خواهد داشت. به موجب ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری «متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذریبط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.» اگرچه ماده ۶ به صورت عام به «متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذریبط» اشاره می‌کند، اما به نظر بتوان سمن را در این چارچوب مورد توجه قرار داد. نکته اساسی در این ماده رعایت و تضمین این حقوق در فرآیند دادرسی است و حق اعتراض می‌تواند از جمله این مصادیق باشد. در ضمن آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد مصوب هیأت وزیران در شهریور ماه ۱۳۹۵ در این باره قابل توجه است. به موجب ماده ۲۹ این آیین‌نامه تشکل‌ها پس از دریافت پروانه فعالیت و ثبت آن، از حقوق زیر برخوردار می‌شوند. یکی از مصادیق احصاشده ذیل این ماده حق دادخواهی در مراجع قضایی، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مربوط است. البته نباید فراموش کرد که این مصوبه تنها یک آیین‌نامه می‌باشد و در ضمن بر مطابقت آن با قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مربوطه به صراحت اشاره شده است.

۳. طرق حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری

تاروپود اصلی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری را باید در قسمت اخیر ماده ۶۶ جستجو کرد. به عبارت دیگر، قبل از اصلاح ماده مزبور، سه موضوع به

صورت متمایز مورد شناسایی قرار گرفته بود: الف) اعلام جرم؛ ب) شرکت در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل؛ ج) اعتراض نسبت به آراء. با تغییرات اعمال شده در سال ۱۳۹۴ تنها به اعلام جرم و شرکت در تمام مراحل دادرسی اکتفا و امکان اقامه دلیل و اعتراض به آراء محاکم توسط سمن‌ها حذف گردید که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱. شناسایی سمن‌ها به عنوان اعلام کننده جرم

هر شخصی که شاهد وقوع جرم باشد می‌تواند مقامات صلاحیتدار را از وقوع آن جرم آگاه سازد. اعلام کننده جرم می‌تواند بزه‌دیده از جرم یا شخص دیگری باشد. حال پرسش اساسی این است که آیا سمن‌ها می‌توانند به عنوان اعلام کننده جرم تلقی گردند؟ بی‌تردید پاسخ مثبت است؛ زیرا وقتی هر شخصی می‌تواند اعلام جرم نماید، دور از منطق حقوقی است که مجموعه‌ای از اشخاص حقیقی عضو یک سمن را از چنین حقی محروم کرد. شاید مهم‌ترین بحث مربوط به این موضوع باشد که آیا علاوه بر اعلام کننده جرم می‌توان سمن‌ها را به عنوان شاکی تلقی کرد. به عبارت دیگر آیا این سازمان‌ها قادر خواهند بود نقش شبه‌دادستان را بازی نمایند؟ آنچه که مشخص است ماده ۶۶ در صدد شاکی تلقی کردن سمن‌ها نیست؛ اگرچه قبل از تغییرات انجام شده در این ماده خیلی راحت‌تر می‌توانستیم چنین برداشتی داشته باشیم. شرکت در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل و اعتراض نسبت به آراء جملگی قرائنی بودند که چنین برداشتی را تقویت می‌کرد، اما حذف حق سمن‌ها برای اقامه دلیل و اعتراض نسبت به آراء موجب تضعیف تلقی سمن‌ها به عنوان شاکی گردید.

با توجه به مصادیق مندرج در ماده ۶۶، در صورتی که تصمیمات و اقدامات دولت و نهادهای دولتی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در حوزه حقوق بشر و محیط زیست موجب تضییع حقوق شهروندان گردد تکلیف چیست؟ اینجاست که حق بزه‌دیدگان به تعقیب در مقابل تصمیمات و اقدامات دولت خودنمایی می‌کند. حق تعقیب جامعه از یک طرف و تکلیف حاکمیت به تعقیب از طرف دیگر اموری هستند که باید به صورت خاص مورد توجه قرار گیرند. در اکثر نظام‌های حقوقی دادستان به عنوان نماینده و مدافع حقوق عمومی است. وی جهت حمایت از حقوق عموم مردم در فرآیند دادرسی کیفری ورود می‌کند. در نظر گرفتن اختیاری همانند دادستان برای سمن‌ها در حوزه فعالیت‌شان می‌تواند در فرآیند کیفری جهت حمایت از بزه‌دیدگان مهم و اساسی ارزیابی گردد. چنین تدبیری می‌تواند کمک شایانی به تقویت حق تعقیب جامعه در فرآیند کیفری شود و ضعف‌های احتمالی ناشی از تکلیف حاکمیت به تعقیب را جبران نماید.

نحوه نگارش ماده ۶۶ به صورتی است که مبنای اعلام جرم سمن‌ها و شرکت آنها در تمام مراحل دادرسی را موقوف به اساسنامه سمن‌ها کرده است. پس سازمانی می‌تواند اعلام جرم و در دادرسی شرکت کند که اساسنامه‌اش حمایت از بزه‌دیدگان مندرج در ماده ۶۶ را پیش بینی کرده باشد. نکته دیگری که به ذهن متبادر می‌شود این است که بزه‌دیدگان مندرج در این ماده به دو گروه بزه‌دیده حقیقی و بزه‌دیده فرضی طبقه‌بندی می‌شوند. برخی از جرایم علیه بزه‌دیدگان حقیقی مثل اطفال، مجانین و غیره و برخی دیگر علیه بزه‌دیدگان فرضی و اعتباری همانند محیط زیست و میراث فرهنگی و غیره صورت می‌گیرد. امروزه حقوق کیفری علاوه بر بزه‌دیدگان حقیقی، بزه‌دیدگان فرضی و اعتباری را هم مورد توجه قرار داده است. همان طور که قبلاً اشاره شد، به طور سنتی حقوق کیفری از بزه‌دیده حقیقی حمایت می‌کرد، اما با تحولات اخیر این حمایت از بزه‌دیده حقیقی به بزه‌دیده فرضی تسری پیدا کرد. «در این جرایم گرچه شخص یا اشخاص خاصی مستقیماً به عنوان قربانی در معرض آسیب نیستند اما به طور غیرمستقیم آثار و عواقب ارتکاب جرایم مذکور متوجه شهروندان و جامعه است.»^۱ با این اوصاف می‌توان ادعا کرد که سمن‌هایی که اساسنامه آنها حمایت از بزه‌دیدگان حقیقی یا فرضی است، می‌توانند تنها به عنوان اعلام‌کننده جرم محسوب شوند و در تمام مراحل دادرسی شرکت نمایند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که در صورت اعلام جرم آیا دادسرا یا دادگاه الزامی به دعوت از سمن‌ها دارد؟ به نظر نمی‌رسد که دادسرا و دادگاه تکلیفی در خصوص دعوت از سمن‌ها داشته باشند و چنین امری نیز از منطوق ماده ۶۶ استنباط نمی‌شود. سمن‌ها شاکی و طرف دعوا محسوب نمی‌شوند تا چنین دعوتی از طرف دادسرا یا دادگاه الزامی باشد. اما لازم به ذکر است که در نظام کامن‌لا نهادی بنام یار یا دوست دادگاه وجود دارد که بر اساس آن مراجع قضایی از یک شخص دعوت به عمل می‌آورند تا اطلاعات و مشاهدات خاص خود را جهت روشن شدن موضوع و یافتن راه‌حل در اختیار آن مراجع بگذارد. چنین دعوتی از سمن‌ها یا راساً توسط مقام رسیدگی‌کننده یا طرفین دعوا به عمل می‌آید و یا اینکه خود سمن‌ها و در راستای حمایت از منافع و حقوق عامه درخواست حضور در دادرسی به عنوان دوست یا یار دادگاه می‌نمایند.^۲ پس با توجه به تغییرات صورت‌گرفته اخیر در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری نمی‌توان ادعا کرد که سمن‌ها شاکی تلقی می‌شوند و دعوت آنها را

۱. رهامی، محسن، جرایم بدون بزه‌دیده، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص. ۴۴.

۲. رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین، «حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی»، فصلنامه

حقوق، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷، ص. ۱۵۶.

الزامی دانست. از طرف دیگر نمی‌توان سمن‌ها را به عنوان یار و دوست دادگاه معرفی کرد زیرا نظام حقوقی ما با این نهاد در دادرسی‌های کیفری بیگانه است. ماده ۶۶ علاوه بر اعلام جرم سمن‌ها به شرکت آنها در تمام مراحل دادرسی اشاره می‌کند که در ادامه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲-۳. شرکت سمن‌ها در تمام مراحل دادرسی

یکی دیگر از موضوعاتی که ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اشاره می‌کند، شرکت در تمام مراحل دادرسی است. بر طبق این ماده سمن‌ها علاوه بر اعلام جرم قادر به شرکت در تمام مراحل دادرسی می‌باشند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا اعلام جرم لزوماً به معنی مشارکت در تمام مراحل دادرسی هم می‌باشد؟ مراد از تمام مراحل دادرسی چیست؟

اعلام جرم لزوماً به معنی مشارکت در تمام مراحل دادرسی نیست و هیچ ملازمه‌ای بین اعلام جرم و شرکت در دادرسی وجود ندارد. بر طبق اصل ۱۶۵ قانون اساسی «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.» پس علنی بودن محاکمات اصل و غیرعلنی بودن استثنا می‌باشد. وفق اصل ۱۶۵ قانون اساسی هر شخصی می‌تواند در محاکمات شرکت کند و علنی بودن محاکمات این امکان را برای سمن‌ها فراهم می‌سازد تا بتوانند در تمام مراحل دادرسی مشارکت نمایند. قبل از اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری ماده ۶۶ به این شکل بود که: «سازمان‌های مردم‌نهاد ... می‌توانند ... در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت نمایند.» از جهت حیثیت خصوصی، اقامه دلیل در دعاوی کیفری معمولاً با شاکه یا بزه‌دیده است؛ اما از جهت حیثیت عمومی تعقیب متهم و اقامه دعوا و دلیل به عهده دادستان می‌باشد. شرکت سمن‌ها در دادرسی و حفظ عبارت «جهت اقامه دلیل» در ادامه آن می‌توانست منشأ آثار مثبتی باشد که متأسفانه بعد از تغییرات قانون آیین دادرسی کیفری حذف شد. اقامه دلیل توسط سمن‌ها، این سازمان‌ها را در موقعیت مطلوبی قرار می‌داد تا بعد از اعلام جرم بتوانند به عنوان شاکه در دادرسی شرکت نمایند.

علیرغم حذف عبارت «جهت اقامه دلیل» از ماده ۶۶، در تبصره ۴ همین ماده مقنن مقرر می‌دارد: «... در جرایم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند ... تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند.» همان طور که مشخص است، قانون‌گذار مجدداً موضوع

ارائه دلایل را به مراجع قضایی مطرح کرده است. تبصره ۴ این ماده ناظر به محاکمات غیرعلنی در مورد جرایم منافی عفت است. در این جرایم، سمن‌ها می‌توانند علیرغم عدم شرکت‌شان در جلسات دادرسی، ضمن اعلام جرم، دلایل خود را به مرجع رسیدگی‌کننده ارائه دهند. به نظر می‌رسد وقتی امکان ارائه دلایل به مرجع قضایی در محاکمات غیرعلنی برای سمن‌ها وجود دارد، پس به طریق اولی چنین حقی در محاکمات علنی هم وجود خواهد داشت؛ مضاف بر اینکه در محاکمات علنی، سمن‌ها علاوه بر اعلام جرم در تمام مراحل دادرسی هم حق شرکت دارند. لذا شرکت سمن‌ها در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل اهمیت زیادی دارد و نمی‌توان آن را به معنای حضور صرف در دادگاه مطابق آنچه که در اصل ۱۶۵ قانون اساسی آمده است تلقی کرد.

ماده ۶۶ به شرکت در «تمام مراحل دادرسی» اشاره می‌کند، بدون اینکه تصریحی نسبت به این موضوع داشته باشد که منظور از تمام مراحل دادرسی چیست؟ بعضی از حقوق‌دانان بین مرحله دادرسی و مقطع دادرسی قائل به تفکیک شده‌اند. «مرحله دادرسی به ظرف زمانی خاصی گفته می‌شود که دعوا در آن مطرح شده، مورد رسیدگی قرار گرفته و منتهی به صدور رأی قاطع مربوطه می‌شود؛ مانند مرحله نخستین، مرحله تجدیدنظر و ... مقطع دادرسی به ظرف زمانی خاصی گفته می‌شود که هر مرحله ممکن است داشته باشد.»^۱ فارغ از تفکیک بین مرحله و مقطع دادرسی، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری به صورت مطلق به شرکت سمن‌ها در تمام مراحل دادرسی اشاره می‌کند. اطلاق شرکت سمن‌ها در تمام مراحل دادرسی مشخص نیست که آیا این شرکت شامل جلسات دادرسی می‌شود و یا اینکه مرحله تحقیقات را هم در بر می‌گیرد. از طرف دیگر به نظر می‌رسد مطلق شرکت در تمامی مراحل دادرسی به این صورت در تضاد با اصل ۱۶۵ قانون اساسی هم خواهد بود. به همین خاطر نیز در تغییرات اخیر ماده ۶۶ در سال ۱۳۹۴ تبصره چهارمی به ماده ۶۶ اضافه کرد. به موجب این تبصره: «اجرای این ماده با رعایت اصل ۱۶۵ قانون اساسی است و در جرایم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده ۱۰۲ این قانون و تبصره‌های آن تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند.»

با توجه به آنچه که گفته شد نمی‌توان شرکت سمن‌ها در دادرسی را به معنای حضور تشریفاتی تلقی کرد و به نظر می‌رسد که این سازمان‌ها بتوانند ادله خود را در

۱. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی - دوره بنیادین، جلد دوم، چاپ نوزدهم، انتشارات دراک، بهار ۱۳۹۲، ص. ۸۴.

تحقیقات مقدماتی تقدیم نمایند. در واقع با اعلام جرم این امتیاز در اختیار سمن قرار می‌گیرد تا بتواند ادله خود را نیز اقامه نماید.

بعد از تجزیه و تحلیل دو صلاحیت مهم سمن‌ها در قالب اعلام جرم و شرکت در تمامی مراحل دادرسی، امکان اعتراض نسبت به آراء مراجع قضایی پیش‌بینی شده است که متأسفانه در اصلاحات اخیر به طور کلی از ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری حذف گردید. به سبب اهمیت این موضوع سعی خواهد شد به اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۳. اعتراض سمن‌ها نسبت به آراء

قسمت اخیر ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری امکان اعتراض سمن‌ها نسبت به آراء مراجع قضایی را به رسمیت می‌شناخت. وجود این امکان برای سمن‌ها هرگونه شک و تردید در خصوص نقش کلیدی این نهادها در فرآیند کیفری را از بین می‌برد. سمت در دعوا برای سمن‌ها با وجود این حق معنا و مفهوم پیدا می‌کرد. بر اساس مقررات آیین دادرسی مدنی «رونوشت دادنامه را به تعداد اصحاب دعوا تهیه و در صورتی که شخصاً یا وکیل یا نماینده قانونی آنها حضور دارند به آنان ابلاغ نماید.»^۱ به عبارت دیگر آراء قضایی به ذینفع و کسی که سمت در دعوا دارد ابلاغ می‌گردد. بعد از ابلاغ است که ذینفع می‌تواند مطابق با مقررات نسبت به احکام و آراء صادره اعتراض نماید.

یکی از شرایط اساسی و اولیه جهت شروع و ادامه دعوا در مرحله دادرسی وجود منفعت است. در واقع به لطف این نفع است که اشخاص اجازه پیدا می‌کنند تا از حقوق خود دفاع نمایند. آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سمن‌ها در دو جا به طور صریح به موضوع حق اقامه دعوا اشاره می‌کند و بنا بر آن به سازمان‌های مزبور حق می‌دهد تا متناسب با موضوع فعالیت خود، با رعایت این آیین‌نامه و سایر قوانین و مقررات مربوط فعالیت نموده و نسبت به حق دادخواهی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی اقدام نماید.^۲ مطابق ماده ۱۶ همین آیین‌نامه «سازمان [سازمان‌های غیردولتی] حق دارد در موضوع فعالیت‌های خود و برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی اقامه دعوا نماید.» حق دادخواهی به طور عام برای این سازمان‌ها پذیرفته شده است و این سازمان‌ها می‌توانند در راستای موضوع فعالیت‌های خود و به منظور حمایت از منافع عمومی طرح دعوا نمایند. در سال ۱۳۹۵، هیأت وزیران با تصویب آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد مجدداً حق دادخواهی را برای سمن‌ها در نظر گرفت. البته نباید فراموش کرد که از نظر شکلی اساساً آیین‌نامه‌ها عملی اداری تلقی شده و نه

۱. ماده ۳۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی

۲. ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۸۴.

تقنینی و ضمانت اجرای لازمی همانند قانون نداشته و به همین دلیل مطابق با اصل ۱۷۱ قانون اساسی، قضات مکلف به عدم اجرای آیین‌نامه‌های مخالف با قوانین می‌باشند. پس با این اوصاف شاید نتوان زیاد به این مقررہ دل بست و از آن به عنوان مبنایی قانونی مستحکم برای مشارکت و حضور سمن‌ها استفاده کرد.

اگر سمن‌ها خود به طور مستقیم بزه‌دیده باشند هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد که آنها بتوانند طرف دعوا قرار گیرند. ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری در همین راستا مقرر می‌دارد: «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.» قانون آیین دادرسی کیفری با به کار بردن واژه «شخص» برای بزه‌دیده، آن را به صورت کلی و عام به اشخاص حقیقی و حقوقی تسری داده است.

ادبیات به‌کاررفته در ماده ۶۶ شباهت زیادی به قانون و لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان دارد. ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ و همچنین ماده ۳۴ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، کودک‌آزاری مندرج در این مقررات را از جمله جرایم عمومی دانسته که نیاز به شاکی خصوصی ندارند. ماده ۴۲ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان نیز با پذیرش حق دادخواهی و اقامه دعوا برای اشخاص مذکور در این ماده، راه را برای دادخواهی نهادهای مدنی هموار نموده است. این ماده مقرر نموده: «والدین اولیاء ... یا نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهادی که دارای مجوز فعالیت در زمینه حقوق کودکان و نوجوانان می‌باشد حق حضور در جلسات دادرسی و اعتراض به آراء و تصمیمات صادره را دارند.»

این مواد در راستای تقویت نقش سمن‌ها در فرآیند کیفری و با هدف حمایت از بزه‌دیدگان خاص نظیر کودکان است. به عبارت دیگر نظام حقوقی ایران در صدد تأکید بر حضور مؤثر آنان در فرآیند دادرسی کیفری می‌باشد. علاوه بر مقررات مربوط به حمایت از کودکان و نوجوانان باید به قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده اشاره کرد که در آن به نقش پررنگ انجمن‌ها و نهادهای مردمی پرداخته است. انجمن‌ها نقش واسط بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را بازی می‌کنند و با بررسی شکایات و ارائه خدمات مشاوره‌ای و حقوقی به مصرف‌کننده و ارجاع دعاوی به مراجع ذیربط در جهت اجرای مؤثر قوانین و مقررات مربوط به حقوق مصرف‌کنندگان گام برمی‌دارند.^۱

۱. تقوی، سیدجواد؛ صیامی نمین، فرشید؛ کتابدار، مجیدرضا؛ و محمد حیدری ساری، نقش تشکل‌های مردم‌نهاد در نظارت بر بازار، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۹۰، ص. ۵.

پر واضح است که چقدر این بخش از ماده ۶۶ اهمیت داشته است که متأسفانه حذف گردید. حال پرسش اساسی این است که با حذف حق اعتراض سمن‌ها نسبت به آراء، آیا به طور کلی موقعیت آنها به عنوان شاکی در فرآیند کیفری تضعیف می‌گردد؟ همان طور که قبلاً هم اشاره شد، اگر شرکت سمن‌ها در تمام مراحل دادرسی را به معنای صرف حضور در دادگاه در نظر بگیریم در این صورت چیزی غیر از علنی بودن محاکمات به ذهن متبادر نمی‌شود. اما اگر مشارکت سمن‌ها را به معنی مشارکت فعالانه در فرآیند کیفری جهت اقامه دلیل تصور نماییم، در این صورت وضعیت متفاوت است. با توجه به آنچه که گذشت دو نتیجه متفاوت قابل استنباط است: نتیجه اول) از آنجا که حق اعتراض نسبت به آراء مراجع قضایی قبل از تغییرات انجام شده در ماده ۶۶ برای سمن‌ها وجود داشته و بعد از آن چنین حقی از سمن‌ها سلب گردید، دیگر نمی‌توان چنین حقی را برای این سازمان‌ها استنباط کرد. نتیجه دوم) تأکید بر اینکه اذن در شیء اذن در لوازم آن خواهد بود. بر این اساس در صورتی که به سمن‌ها اجازه شرکت فعال و ارائه دلایل در تمامی مراحل دادرسی داده شد، در نتیجه حق اعتراض نسبت به آراء هم محفوظ خواهد بود. از طرف دیگر تصویب بند پ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور می‌تواند نتیجه دوم را تقویت کند؛ چه اینکه با محرومیت و تعلیق حق اعلام جرم برای سمن منطقی‌اً امکان اعتراض وجود خواهد داشت؛ اگرچه چنین حقی برای سمن در این بند به صورت صریح و مستقیم پیش‌بینی نشده است. مضاف بر اینکه شناسایی حق اعتراض در این خصوص در راستای دادرسی منصفانه قابل توجیه است. به هر حال اعمال و اجرای واقعی ماده ۶۶ در عمل توسط قضات و تبیین آن در رویه قضایی مشخص خواهد کرد که کدام یک از این دو استدلال اقبال بیشتری خواهند داشت.

نتیجه‌گیری

ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری در فصل سوم در باب وظایف و اختیارات دادستان درج شده است. تدوین این ماده در قانون آیین دادرسی کیفری یکی از نوآوری‌های قانون‌گذار محسوب می‌شود. این ماده امیدهای زیادی نسبت به حضور و نقش فعال سمن‌ها در فرآیند کیفری ایجاد کرد. با شناسایی حق اعلام جرم، مشارکت در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل و اعتراض به آراء مراجع قضایی برای سمن‌ها به یکباره تحول اساسی نسبت به حضور آنها در فرآیند کیفری ایجاد شد. با طرح موضوع موانع اجرایی قانون آیین دادرسی کیفری از اجرای قانون مذکور جلوگیری شد و تغییراتی در آن به عمل آمد که ماده ۶۶ هم مشمول این تغییرات قرار گرفت. با تغییرات صورت گرفته در سال ۱۳۹۴ حق اعتراض سمن‌ها به آراء مراجع قضایی مندرج در ماده ۶۶ حذف گردید و امید ایجادشده دیری نپایید و به یأس مبدل شد. شناسایی حق اعلام جرم، مشارکت در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل و اعتراض به آراء مراجع قضایی برای سمن‌ها یکی از حلقه‌های مفقوده نظام حقوقی ما در فرآیند کیفری محسوب می‌شود. هسته سخت و مرکزی حضور سمن‌ها در این فرآیند، برخورداری آنها از حق اقامه دلیل و اعتراض به آراء مراجع قضایی بود که با تغییرات سال ۱۳۹۴ عملاً موقعیت سمن‌ها از شاکی به اعلام‌کننده صرف فرو کاسته شد.

اما با وجود حذف حق شرکت سمن جهت اقامه دلیل و اعتراض به آراء مراجع قضایی باید اذعان داشت که همچنان بارقه امیدی وجود دارد تا نسبت به حضور و مشارکت سمن‌ها در فرآیند کیفری امیدوار باشیم. عقل سلیم نمی‌پذیرد که قانون‌گذار کار عبث و بیهوده‌ای انجام دهد و بخواهد با تدوین یک ماده در قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً به اعلام جرم توسط سمن‌ها اشاره کند. امری که فی‌حد ذاته برای هر شخصی که شاهد وقوع جرم باشد وجود دارد و می‌تواند مقامات صلاحیتدار را از وقوع آن جرم آگاه سازد. اعلام‌کننده جرم می‌تواند بزه‌دیده از جرم یا شخص دیگری باشد.

ایراد دیگر ماده ۶۶ مربوط به تبصره ۳ آن بود. این تبصره نظارت پسینی وزیر دادگستری، وزیر کشور و رئیس قوه قضاییه را در بر داشت و می‌توانست به صورت قابل توجهی بر حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری تأثیرگذار باشد که خوشبختانه با تصویب بند پ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مرتفع گردید.

هدف از پیش‌بینی امکان اقامه دعوا توسط سمن‌ها جنبه حمایتی داشته تا این نهادها بتوانند از گروه‌های آسیب‌پذیری چون اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی و همچنین از قربانیان خاموشی مثل محیط زیست،

منابع طبیعی و میراث فرهنگی دفاع کنند. از آنجا که تأسیس سمن‌ها به منظور انجام اشتغالات تعیین‌شده در اساسنامه آنها می‌باشد و معمولاً انجام چنین اشتغالاتی هم موکول به زمان معینی نیست، باید کوشش کرد تا کمترین مانعی بر سر راه این نهادها ایجاد نشود تا بتوانند اهداف عالی‌ه مورد نظر در سند تأسیس خود را محقق سازند.

بهبود حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری قبل از هر چیز مستلزم اصلاح مقررات موجود در باب تأسیس و فعالیت سمن‌ها است. حمایت از حضور سمن‌ها یکی از ابزارهای مؤثر برای تحقق حکمرانی خوب محسوب می‌شود. شناسایی سمن به عنوان شاکی با توجه به حقوق مندرج در صدر ماده ۶۶ قبل از اعمال تغییرات در سال ۱۳۹۴ پیشنهاد می‌شود. بازگشت و استقرار این حق برای سمن‌ها اهمیت زیادی دارد، زیرا نسبت حق تعقیب جامعه و تکلیف حاکمیت به تعقیب ایجاب می‌کند تا در خصوص حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری توجه ویژه‌ای داشته باشیم و از این طریق خلأهای احتمالی مربوط به تکلیف حاکمیت به تعقیب را پر نماییم.

پیشنهاد دیگر این است که در صورت امکان نهاد دوست یا یار دادگاه در نظام حقوقی ایران تقویت گردد. بسترهای مناسبی در مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی وجود دارد که مقدمات حضور سمن‌ها را در محاکم قضایی فراهم می‌کند. به کارگیری ظرفیت‌های موجود در این مقررات نه تنها می‌تواند سمن‌ها را به عنوان یار و دوست خوبی برای دادگاه‌ها معرفی نماید، بلکه می‌تواند برای احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع مندرج در قانون اساسی مؤثر باشد.

قبل از تصویب ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور اقداماتی به منظور اجرای ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری صورت پذیرفت. همان طور که قبلاً اشاره شد در اجرای ماده ۶۶ باید نام سمن‌هایی که قادر به مشارکت در فرآیند کیفری هستند، توسط رئیس قوه قضاییه مشخص می‌گردید. بدین منظور مدیرکل پیشگیری‌های مردمی و مشارکت‌های مدنی قوه قضاییه از ایجاد دبیرخانه مشترک بین این اداره کل و سازمان‌های مردم‌نهاد خبر داد. ایجاد چنین دبیرخانه‌ای در راستای هم‌اندیشی و تعامل با اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد تلقی می‌شد. تعامل سازنده و دو سویه بین سمن‌ها و قوه قضاییه فرصت مغتنمی است تا از این طریق دو وظیفه اصلی قوه قضاییه یعنی احقاق حقوق عامه و گسترش عدل و همچنین اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم محقق گردد. با اصلاح مفاد تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری به وسیله قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۵ عملاً تعیین نام سمن‌ها توسط رئیس قوه قضاییه و اقدامات بعدی جهت اجرایی شدن این تبصره کنار گذاشته می‌شود. البته در سطح قوه قضاییه اقداماتی برای تعامل

هر چه بیشتر با سمن‌ها صورت گرفته و یا خواهد گرفت که می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد. برگزاری جلسات مشترک تشکل‌های غیردولتی با معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم یکی از نمونه‌های بارز این اقدامات است تا از این طریق ظرفیت‌های پیشگیری از وقوع جرم مورد شناسایی قرار گیرد. از آنجا که پیشگیری از وقوع جرم مسئله‌ای نیست که قوه قضاییه به تنهایی از عهده آن برآید بلکه خارج از قوه نیز باید برای آن چاره‌اندیشی شود. ظرفیت‌های پیشگیری از وقوع جرم بسیار متنوع هستند و با شناسایی آنها می‌توان بسترهای مناسبی جهت تعامل در این حوزه ایجاد کرد. تصویب قانون پیشگیری از وقوع جرم و شناسایی راه‌های جلب مشارکت مردمی و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم اهمیت حضور این نهادها در فرآیند کیفری را دوچندان خواهد کرد.

در پایان باید اشاره کرد که علیرغم کاستی‌ها و خلأهای موجود در چارچوب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری درباره حضور سمن‌ها در فرآیند کیفری، پیش‌بینی چنین ماده‌ای در این قانون را باید به فال نیک گرفت تا این سازمان‌ها بتوانند به عنوان شبه‌دادستان یا دادستان خصوصی بسان حقوق برخی از کشورهای دیگر از بزه‌دیدگان حقیقی و فرضی دفاع نمایند. پر واضح است که مشارکت سمن‌ها در فرآیند کیفری نه تنها می‌تواند کاستی‌ها و خلأهای نظام عدالت کیفری موجود را مرتفع سازد، بلکه می‌تواند مبین پذیرش رویکرد کثرت‌گرایی کنترل اجتماعی جرم باشد؛ و در نهایت گامی به سوی تحقق سیاست جنایی مشارکتی تلقی گردد.

منابع

- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری: کلیات و دعاوی ناشی از جرم، دفتر اول، چاپ هفدهم، دوراندیشان، ۱۳۹۴.
- بیگزاده، ابراهیم، «تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۷۴.
- تقوی، سیدجواد؛ صیامی نمین، فرشید؛ کتابدار، مجیدرضا؛ و محمد حیدری ساری، نقش تشکل‌های مردم‌نهاد در نظارت بر بازار، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۹۰.
- جمشیدی، علیرضا، سیاست جنایی مشارکتی، نشر میزان، بهار ۱۳۹۰.
- رستمی، ولی، «مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)»، فصلنامه حقوق، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، «حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی»، فصلنامه حقوق، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷.
- رهامی، محسن، جرایم بدون بزه‌دیده، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- زینالی، امیرحمزه، «سازوکارهای حقوق کیفری ایران در زمینه اعمال حق دادخواهی کودکان بزه‌دیده (حق بر شکایت کودک)»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی - دوره بنیادین، جلد دوم، چاپ نوزدهم، انتشارات دراک، بهار ۱۳۹۲.
- عمارتی نوش‌آبادی، محمدسالار، نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۵.
- کوشکی، غلامحسین، «سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعاوی عمومی»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۲.
- گرچی فرد، حمیدرضا، جرم‌شناسی سبز و جرایم زیست‌محیطی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.
- لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- میرخلیلی، سید محمود؛ و جواد رجبی، «پیشگیری کیفری از بزه‌دیدگی مکرر»، مجله حقوق اسلامی، شماره ۳۴، پاییز ۱۳۹۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، «از سیاست کیفری تا سیاست جنایی»، در: لازرژ کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۹۰.

-
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «رویکرد بزه‌دیده‌شناختی به بزه‌های بدون بزه‌دیده»، در: رهامی، محسن، جرایم بدون بزه‌دیده، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
- Delmas-Marty, Mireille, «Ni Victimes ni Procureurs, qui sont-ils?», Archives de Politique Criminelle, N 10, 1988.
- Salmon, Jean, Dictionnaire de Droit International Public, Bruxelles, Bruylant, 2001.